

نگاهی نوبه مقوله‌ی امنیت در جمهوری اسلامی ایران^۱

● علی دارابی*

چکیده

نویسنده با استناد به منابع معتبر ابتدا به تعاریف لغوی و مصادیق اصطلاحی واژه‌ی «امنیت» پرداخته و با اشاره به چالش‌های مهم امنیتی ایران پس از انقلاب و بحران‌های سیاسی و امنیتی داخل و خارج، مطالب زیر را مورد بحث و بررسی قرار داده است: چالش با ضد انقلاب، جنگ تحمیلی فراگیر و نابرابر ۸ ساله رژیم بعثی عراق به سرکردگی صدام و حمایت استکبار جهانی، تجاوز آن رژیم به ۱۶ استان، ۸۷ شهر و ۲۶۷۶ روستای ایرانی که به ویرانی بیش از ۳۴۰۳۲۸ واحد مسکونی - بازرگانی شهری و ۷۶۳۹۰ واحد مسکونی - روستایی، و اشغال ۱۰ شهر و انهدام بسیاری از تأسیسات شهری - روستایی و... انجامید.

آنگاه پژوهشگر با تشریح چالش‌های بین‌المللی، تهدیدها، تحریم‌ها و تطمیع‌های آمریکا، بخشی از مقاله را به موضوع پروتکل‌های بین‌المللی از جمله پیوستن ایران به پروتکل الحاقی ۲+۹۳ (منع ساخت و تکثیر سلاح‌های هسته‌ای)، لشگرکشی آمریکا به منطقه، تهدید امنیت ملی ایران از طریق استقرار رژیم‌های دست‌نشانده در اطراف آن اختصاص داده است.

نویسنده در پایان با تبیین شاخصه‌ها و معیارهای یک جامعه‌ی امن و نیز ویژگی‌های جامعه‌ی دینی نتیجه‌گرفته است که شرط استقرار جامعه‌ی امن دینی،

* نویسنده، معاون پژوهش و برنامه‌ریزی شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی

تحقق امنیت اخلاقی در جامعه است، که خود مایه و پایه‌ی مباحث امنیتی است.

الف) تعاریف و کلیات

امنیت در لغت به معنای «آرامش، آسودگی و در امان بودن» است. و آن حالتی است که به موجب آن، هرکس فارغ از بیم تهدید به جان، مال و شرف و آبروی خود و یا از دست دادن آنها زندگی کند.^۲ واژه «امنیت» در فرهنگ‌ها و دایرةالمعارف‌ها از وجوه مختلفی برخوردار است که در میان همه این تعاریف دو مورد زیر جامع‌تر به نظر می‌رسد:

۱. وجود اطمینان به سلامت تن و جان، مال و ناموس.^۳

۲. مصون بودن و حالت فراغت عموم افراد جامعه از تهدیدات یا اقدامات خلاف

قانون شخص، گروه یا دولت.^۴

با این همه، صاحب‌نظران امنیت اجتماعات بشری را به ۵ مقوله تقسیم می‌کنند: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی. بطور کلی امنیت نظامی به اثرات متقابل توانایی‌های تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت‌ها و نیز برداشت آنها از مقاصد یکدیگر مرتبط است. امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آنها مشروعیت می‌بخشد. امنیت اقتصادی یعنی دسترسی به منابع، مالیه و بازارهای لازم برای حفظ سطح قابل قبولی از رفاه و قدرت و دولت، امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است.

امنیت زیست محیطی ناظر است بر حفظ محیط محلی جهانی به عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمامی حیات بشری بدان متکی است. این ۵ بخش جدا از یکدیگر عمل نمی‌کنند. هریک از آنها دارای قانون مهمی در درون مسأله امنیت و روشی برای تنظیم اولویت‌ها بوده و از طریق ارتباطات قوی به یکدیگر متصل هستند.^۵

ب) چالش‌های مهم امنیتی ایران پس از انقلاب

هرچند جامعه ایران پس از انقلاب درگیر بحران‌های سیاسی و امنیتی در داخل و خارج برای تثبیت نظام سیاسی جدید بود اما چند چالش امنیتی موجب تغییر گفتمان در جامعه

۱۵۴ ایران تاکنون شده است که بدلیل اهمیت آنها به اختصار بیان می‌شود:

۱/۱ - چالش با ضد انقلاب:

انقلاب در آغازین ماه‌های پیروزی خود با توطئه جبهه متحد ضد انقلاب روبرو شد. اینان درصدد تجزیه کشور و حاکمیت بخشیدن تفکر خود از طریق مبارزه مسلحانه و براندازی جمهوری اسلامی بودند. سازمان مجاهدین خلق (منافقین) اوج این جریان بود که ترور مسئولان انقلاب از جمله شهید آیت‌الله بهشتی^۶ و شهیدان رجایی و باهنر را در کارنامه خیانت‌بار خود ثبت کردند و این جریان با هماهنگی رئیس جمهور مخلوع و فراری «ابوالحسن بنی صدر» نقش ستاد هماهنگی جبهه متحد ضد انقلاب در برابر جریان انقلاب را بر عهده داشتند. هرچند نظام جمهوری اسلامی با پشتوانه مردمی با قاطعیت این چالش‌ها را پشت‌سر گذاشت اما این چالش موجب شکل‌گیری گفتمانی در ایران شد که به سبب آن صنف‌بندی انقلابیون و ضدانقلابیون یا به عبارت دیگر جریان حزب‌الله و جریان ضدانقلاب در آرایش نیروهای سیاسی ایران خودنمایی کرد. افزایش فاصله میان مسئولان و مردم بدلائل امنیتی تنها یکی از پیامدهای این چالش بود. اما گفتمان مسلط در مقطع مورد بحث «انقلاب و ضدانقلاب» بود. کودتاها، توطئه‌ها، تحریم‌ها و نیز در این مقطع قابل بررسی است.

۲/۱ - جنگ تحمیلی:

مهمترین، فراگیرترین و طولانی‌ترین چالش امنیتی جمهوری اسلامی جنگ ۸ ساله بود. رژیم بعثی عراق به سرکردگی صدام حسین با حمایت استکبار جهانی جنگی نابرابر و ظالمانه را به ایران تحمیل کرد. تجاوز عراق به ایران ۱۶ استان، ۸۷ شهر، ۲۶۷۶ روستا در کام آتش خود فرو برد و موجب ویرانی بیش از ۳۴۰/۳۲۸ واحد مسکونی و بازرگانی شهری و ۷۶۳۹۰ واحد مسکونی روستایی و اشغال نظامی ۱۰ شهر ایران و ویرانی همه تأسیسات شهری و روستایی و زیر ساخت‌ها در این سرزمین‌ها شد.^۷ تا جایی که خسارت جنگ را بالغ بر یک هزار میلیارد دلار برآورد کردند.^۸

ما در صدد احصاء دستاوردهای جنگ در این مقاله نیستیم، اما جنگ تحمیلی گفتمان جدیدی را به همراه داشت. واژه «دفاع مقدس» خود معنا و مفهوم جنبه دفاع از تمامیت

ارضی و آرمانهای انقلاب و تقدیس آن نه به واسطه جنگ طلبی بلکه نشأت گرفته از ۱۵۵ خاستگاه اعتقادی و جهان بینی و ایدئولوژی حاکم بر انقلاب بود.

گفتمان مسلط دفاع مقدس دارای چند ویژگی بود: حماسی، سوگوارانه، بهره‌گیری از اسوه‌هایی چون امام حسین(ع) و کربلا، میل به آخرت و شهادت طلبی و دوری از دنیا را می‌توان از جمله ویژگیهای آن برشمرد.^۹ اما نباید فراموش کرد که یکی از زیانبارترین پیامدهای تبلیغات جنگی تسهیل نابودی افراد یک ملت به وسیله افراد ملت دیگر بدون عذاب وجدان است. یا همان چیزی که باید «انسانیت‌زدایی» بر آن نام نهاد.

۳/۱- چالش‌های بین‌المللی:

تهدیدات، تحریم‌ها، تطمیع‌های آمریکا را باید در صدر این چالش‌ها برشمرد.^{۱۰} الحاق ایران به پیمانها و پروتکل‌های بین‌المللی که نمونه بارز آن بحث پیوستن ایران به پروتکل الحاقی ۹۳+۲ (منع ساخت و تکثیر سلاحهای هسته‌ای)، لشگرکشی آمریکا به منطقه و استقرار رژیم‌های دست‌نشانده در اطراف ایران که خود تهدید بزرگی برای امنیت ملی کشور است. در این فهرست عناوین دیگری از جمله بحث دریای خزر و... نیز جای می‌گیرد که تفصیل آن مجال دیگری می‌طلبد.

ج) نگاهی نو به مقوله‌ی امنیت

واقعیت آن است که به هنگام سخن از امنیت همواره مباحث کلان در حوزه‌ی نظامی و امنیتی مدنظر قرار می‌گیرد و همانگونه که بیان شد اذهان متوجه چالش‌های امنیتی که «بود یا نبود» و «تمامیت و هویت» جامعه را نشانه رفته است می‌گردد. هرچند این معنا در جای خود درست و صحیح است. اما آنچه که در مقوله امنیت آن هم در پرتو انقلاب اسلامی عمدتاً مغفول می‌ماند «امنیت اخلاقی» است. «چرا که ما در محیطی آکنده از پیام به سر می‌بریم هرروز ما در معرض بمباران پی در پی ارتباطات اقناعی قرار داریم. این پیام‌ها نه از طریق اقامه دلایل و مباحثه، بلکه با دستکاری نهادها و بنیانی‌ترین عواطف بشری، به اقتناع می‌پردازند. خوب یا بد عصر ما عصر تبلیغات است.^{۱۱} در چنین عصری است که «امنیت اخلاقی» بشدت دچار مخاطره می‌گردد و توجه به آن در نظام جمهوری اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود.

از نگاه اسلامی «امنیت» به مثابه نعمت و هدیه‌ای خدادادی است که قدر و منزلت آن برای مردم نامعلوم است. برخی روایات اسلامی شرط مسلمان بودن را «در امان بودن مردم از دست و زبان دیگران» برشمرده‌اند. «وفای به عهد»، «احترام به سوگند»، «پرهیز از ریاکاری و نفاق»، «حسن خلق»، «نوع دوستی»، «ایثارگری» و... همه از مفاهیم ارزنده در دین اسلام است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل سوم دولت را موظف نموده است تا با بهره‌گیری از تمام امکانات خود به «ایجاد محیط مناسب برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی» بپردازد. اصول ۱۳، ۱۴، ۲۲، ۲۳، ۴۶، ۱۶۴ همه درباره مقوله امنیت در حوزه قضا، اندیشه، کار، عقیده، شغل و حتی اقلیت‌های دینی سخن می‌گویند.

اما نقطه‌ی مقابل «امنیت» «ناامنی» است. که برخی صاحب‌نظران آن را معادل «لرزه» تعریف کرده‌اند. و این واژه (ناامنی) در بعد جهانی معنا و مفهوم تازه‌ای پیدا کرده است که «چارچوب‌شکنی» و «ساختار شکنی» از جمله مصداق بارز آن است. برابر این دیدگاه در جامعه جهانی که اعضای آن «شهروندان جهانی» محسوب می‌گردند، چارچوب «ملی» به مبارزه فراخوانده می‌شود که «ثبات» و «استقرار» بسیاری از نظامها مبتنی بر آن است و همین امر می‌تواند موج توفنده‌ای از «ناامنی» برای این گروه از واحدهای سیاسی باشد و بزرگترین مشکل از آنجا ناشی می‌شود که انسانها با ساختار تازه‌ای روبرو می‌شوند که «ضرورتاً ملی نبوده» و این به معنای «جهانی کردن ناامنی» است و این فرایندی است که کل جهان از جمله جمهوری اسلامی با آن درگیر است.^{۱۲}

اگر بخواهیم به «شاخصه‌های یک جامعه امن» بنگریم. معیارهای فراوانی برای ارزیابی قرار دارد؛ «کاهش شکاف فقیر و غنی، مبارزه با فقر و رانت‌جویی، گسترش عدالت اجتماعی، مشارکت مردم و...»^{۱۳} را باید مدنظر قرار داد. اما «رشد فضایل اخلاقی» بی‌تردید در صدر جامعه امن قرار دارد.

و از آنجا که جامعه ما یک «ماهیت دینی» دارد و نادیده انگاشتن این ماهیت «موجب تعطیلی احکام الهی» و «کاهش امید به آینده» در نزد مردم می‌گردد. وحدت ملی دچار تشتت و تسلیم شدن در برابر استکبار برای چنین جامعه‌ای سهل و آسان‌تر صورت

می‌پذیرد. به ویژه آنکه ما باید بتوانیم جامعه جوان خود را در عصر ارتباطات و رشد سریع تکنولوژیهای ارتباطی چون ماهواره، اینترنت و ... هم توانا سازیم و با آگاهی بخشی قادر به مصون‌سازی آنها [نه‌منع] باشیم.

براین اساس باید به مرحله‌ای برسیم که از آن به «خویشتن‌بانی» یاد می‌کنیم، مرحله‌ای که درست از نادرست، سره از ناسره، هنجار از ناهنجار در نزد تک‌تک شهروندان معلوم و روشن گردد. ایثار، فداکاری، گذشت، تقدم منافع جمعی بر منافع فردی در جامعه کاملاً مشهود و محسوس باشد.

امر به معروف و نهی از منکر در جامعه ترویج و به عنوان یک فریضه‌ی دینی و وظیفه‌ی شهروندی از باب «تعمیم نظارت همگانی» فراگیر گردد. تواضع و جلب محبت در میان آحاد شهروندان و حاکمان با مردم به یک فرهنگ تبدیل شود. گسترش اعتماد عمومی و احترام به حقوق شهروندان به فرهنگ عمومی مبدل گردد.

تحقق همه‌ی این موارد در پرتو «امنیت اخلاقی» است. آن هم در سه ساحت و حوزه فرد، اجتماع و حکومت مد نظر است. چرا که اگر ما به عنوان جمهوری اسلامی بالاترین دستاوردهای عمرانی و آبادانی، رشد و توسعه را داشته باشیم اما نتوانسته باشیم «اخلاق» و «معنویت» را - که لازم و ملزوم یکدیگرند و نسبت مستقیمی با «امنیت» دارند - در جامعه حاکم و به عنوان یک الگو برای دنیا معرفی کنیم بی‌تردید اقدامی در خور و شایسته نام جمهوری اسلامی که «رشد فضایل اخلاقی» و «تکریم انسانها» در صدر اهداف آن است نکرده‌ایم.

«امنیت اخلاقی» پایه و مقوم سایر مؤلفه‌ها در امنیت است. اگر امروز از افزایش گسست میان حاکمیت و مردم، افزایش شکاف طبقاتی، نابرابری و تبعیض^{۱۴}، به حاشیه راندن نهضت عدالت خواهی، ...

گسست بین نسلی، بالا رفتن سن ازدواج، رشد طلاق، گسترش اعتیاد، افزایش بیماران ایدزی، دختران فراری و ... سخن می‌گوییم باید ریشه آن را در عدم توجه به «اخلاق» جستجو کرد. مقوله «امنیت اخلاقی» پایه و بنیان سایر مقوله‌های امنیت است. با گذشت ۲۵ سال از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی عصر سوم انقلاب را باید عصر «اخلاق و معنویت» نامید. تا در پرتو آن نهضت اسلامی پویا و بالنده به حیات طیبه خود ادامه دهد. برای تحقق این مهم کارآمدی نهادهای مولد و فرهنگ‌سان، ایفای رسالت

متعهدانه نخبگان و خواص، حاکمیت قانون، افزایش بصیرت و دانش عمومی، نگاه به درون با تکیه بر هویت اسلامی - ایرانی و انجام پژوهش‌ها و بررسی‌های علمی - کاربردی ضروری است.

فراموش نکنیم آنچه موجب جهان شمولی دین اسلام بود «اخلاق حسنه» پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) بود. و پیام و سخن تازه انقلاب اسلامی نیز برای جهانیان «اخلاق و معنویت» بود که تحقق این مهم در گرو «امنیت اخلاقی» است. برآستی اگر امنیت اخلاقی نباشد سخن از سایر مقوله‌های امنیت بی‌حاصل نیست.

پی‌نوشت‌ها:

۱. رویکرد نگارنده در این مقاله «امنیت اخلاقی» به عنوان پایه و بنیاد مباحث امنیتی است و از این حیث که «اخلاق» در نظام دینی روح حاکم بر رفتار، و رسیدن به جامعه اخلاقی هدف غایی است، این پدیده‌ی مهم به مصداق حدیث شریف «بعثت لأتمم مکارم الأخلاق» مورد توجه ویژه قرار دارد.
۲. عمید، حسن، فرهنگ عمید، صص ۲۲۳ و ۲۷۱.
۳. آقابخش، علی و افشاری‌راد، مینو، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، ۱۳۷۸، ص ۵۲۷.
۴. همان، ص ۵۵۰.
۵. برای مطالعه بیشتر ر.ک. به: باری بوزان، مردم، دولت و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸، ص ۳۴.
۶. معمار نوین قوه قضائیه و از رهبران برجسته انقلاب
۷. ۹ شهر اشغال شده عبارت بود از: خرمشهر، سوسنگرد، بستان، هویزه، مهران، دهلران، موسیان، قصرشیرین، نفت‌شهر، سومار برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: امیر آشفته تهرانی، جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی، تهران، ارمنغان، ۱۳۷۸، ص ۲۸۹.
۸. دارابی، علی، کارگزاران سازندگی از فراز تا فرود، چاپ دوم (تهران: سیاست، ۱۳۸۲)، ص ۷۴.
۹. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: کاشی، غلامرضا، چالش گفتمان دو جناح در انتخابات، ماهنامه آفتاب، شماره ۴، ص ۲۲، اردیبهشت ۱۳۸۰.
۱۰. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به واعظی، حسن، ایران و آمریکا، چاپ سوم، تهران، سروش، ۱۳۸۱.
۱۱. عصر تبلیغات، همان، صص ۲۱-۱۴.
۱۲. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: ناامنی جهانی (بررسی چهره دوم جهانی شدن)، به اهتمام افتخاری، اصغر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰.
۱۳. ر.ک: افتخاری، اصغر، درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت‌های سیاسی، با مقدمه دکتر محمدرضا تاجیک، تهران: فرهنگ گفتمان ریاست جمهوری، مرکز بررسی‌های استراتژیک، ۱۳۸۰، صص ۲۱-۲۰.
۱۴. برای مطالعه پیرامون تأثیر متقابل امنیت و نابرابری رجوع کنید به «ناامنی جهانی»، همان، ص ۱۰۶.